



پوشاک

طراحی تونیک (فانتزی) با استفاده از

هندسه پنهان موجود در آثار کمال الدین بهزاد

حدیث آرمیده^۱، نوید خالصی^۱، آزاده میرجلیلی^۱

چکیده

هرآنچه که در جهان ما وجود دارد همگی براساس تناسبات و هماهنگی‌های خاص و حساب شده به وجود آمده است، لذا بسیاری از ریاضی دانان و زیست‌شناسان از گذشته‌های دور با کندوکاوهای بسیار در صدد شناسایی این تناسبات برآمدند تا آنجا که به تناسبات طلایی برخوردند. این تناسبات مورد توجه بسیاری از هنرمندان بنام از جمله کمال الدین بهزاد قرار گرفت و در بسیاری از آثارش از آنها بهره برد. در این پژوهش از این نظام شگفت‌انگیز حاکم بر جهان در جهت ایجاد الگویی مبتنی بر اصول علمی و زیبایی‌شناسی در طراحی تونیک استفاده گردیده است.

مقدمه

صورت‌های متفاوت ارائه دهند. همچون «مارکوس ویتروویوس پولیو» که بدن انسان را شبیه چارچوب ساختمان می‌داند. و یا «آدولف سیزینگ» که ارتفاع کل بدن را به چهار قسمت اصلی تقسیم نمود و بخش‌های مختلفی را میان هر کدام از این قسمت‌ها یافت.

بدون شک درک و ارزیابی این هندسه و به کارگیری آن در هنرهای کاربردی (طراحی تونیک)، با توجه به اینکه تا به حال در هنر هیچ یک از طراحان لباس مشاهده نشده، از جمله بحث مورد نظر می‌باشد چرا که با یادآوری و شناسایی آن به عموم، می‌تواند به اعتلای این هنرها کمک شایانی نماید.

در این پژوهش با استفاده از روش‌های کتابخانه‌ای و اینترنت، ابتدا به بررسی هندسه پنهان در آثار کمال الدین بهزاد پرداخته شده و سپس به کارگیری آن در طراحی تونیک به صورت عملی اجرا شده است.

نسبت طلایی

اگر یکی از اعداد فیبوناچی را به عدد قبل از خود تقسیم کنیم عددی نزدیک به $\frac{618}{1}$ بدست می‌آید. $\frac{618}{1}$ را می‌توان از طریق ترسیم نیز پیدا کرد. یعنی مستطیلی رسم می‌کنیم که نسبت طول آن به عرض آن $\frac{618}{1}$ است.

برای رسم این مستطیل ابتدا یک مربع به اندازه دلخواه رسم می‌کنیم، سپس وسط ضلع پایین را پیدا می‌کنیم و سوزن پرگار را آنجا قرار می‌دهیم و آنگاه دهانه پرگار را تا یکی از گوشه‌های بالا باز می‌کنیم و قوسی می‌زنیم تا امتداد ضلع پایین مربع را قطع کند. از محل مقاطع یک عمود اخراج می‌کنیم و ضلع بالایی مربع را امتداد می‌دهیم تا این

هندسه پنهان در آثار هنرمندان بزرگ جهان و از جمله کمال الدین بهزاد (هنرمند نام‌آور قرن دهم) به نحوی مورد استفاده قرار گرفت که موجب غنای تصویری و ارزش ساختاری آثار ایشان گردیده است، تا آنجا که درک اهمیت این آثار و روابط میان اجزاء تصویری آنها، اعم از اشیاء و آدمی بدون ارزیابی و شناخت این هندسه شگفت‌انگیز ناممکن می‌باشد. این بررسی و شناخت را دانشمندان بسیاری از جمله تالس، فیثاغورث، زنون، بقراط، اقلیدس و ... کندوکاو کردند و بالاخره به هندسه‌های متعددی از جمله هندسه اقلیدسی و ناقلیدسی، هذلولوی و بیضوی و ... پی بردند که البته پایه و اساس تمامی آنها تناسب طلایی بود. تناسباتی که عدم رعایت آنها باعث اغتشاش و ناهمخوانی عوامل متعدد موجود در یک اثر هنری یا حتی ریاضیات می‌شود. مبنای این تناسب اعدادی چون ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۳، ۲۱ و ... می‌باشد که توسط فیبوناچی یکی از ریاضی‌دانان بزرگ اروپا کشف شد، که پس از وی برخی از دانشمندان در صدد مطالعه‌ی این اعداد برآمدند و تناسبات بسیاری را بر اساس آن‌ها در طبیعت، جانوران و حتی انسان کشف کردند که در دوره‌های بعدی مورد توجه بسیاری از هنرمندان و نقاشان قرار گرفت و آنها این نسبت‌ها را در آثار هنری خود به کار گرفتند به این صورت که چارچوب اصلی کار خود را تناسبات طلایی در نظر می‌گرفتند و سپس بر اساس آنها اثر هنری خود را خلق می‌کردند. همچون کمال الدین بهزاد که به صورت هندسه‌ای، پنهان در ورای هر اثر آنها را به کار می‌گرفت.

گفتیم که تناسبات طلایی نیز در بدن انسان کشف شد، این تناسبات دانشمندان زیادی را بر آن داشت تا نسبت‌های هماهنگی را در بدن به



وجود تقسیمات مکرر فضا، کثرت عناصر و اشیاء و تنوع حرکت در اغلب آثار وی، نگاره‌ها هیچ‌گاه دچار آشفتگی نیستند و این امر نشان‌دهنده شناخت بهزاد از قاعده مهم حاکم بر مجموعه هنر اسلامی یعنی «نمایش وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت» است؛ (همان، ۳۰۲)

تونیک

تونیک انواع متفاوتی از لباس است، که معمولاً سبک ساده‌ای داشته و از شانه تا بین مفصل ران و قوزک پا بلندای آن می‌باشد. این نام از واژه لاتین tunica برگرفته شده است، لباس اصلی که توسط مردان و زنان در روم باستان پوشیده می‌شده، که در واقع از لباس‌های یونانیان سال‌های قبل‌تر اقتباس شده است. (<http://en.wikipedia.org/wiki/Tunic>)

انتخاب محدوده تناسبات طلایی موجود در بدن جهت طراحی لباس:

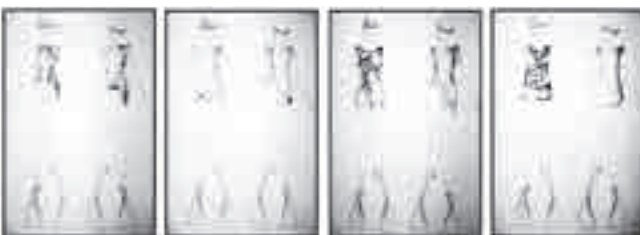
با توجه به قد تونیک، طراحی از ناحیه گردن تا میانه ران‌ها انجام شده که این قسمت خود به بخش‌های مختلف طلایی نیز تقسیم می‌گردد، هم چنین پایه‌ی طراحی بر اساس مستطیل طلایی شکل گرفته است پس از ساخت استوری برد و تأیید مانکن برای طراحی توسط استاد راهنما، اتوهای اولیه طراحی شد. از میان بالغ بر ۱۵۰ اتود زده شده، نهایتاً ۸ طرح برای اجرا و دوخت تأیید شد.

اتوهای سیاه و سفید



شکل ۱- اتوهای سیاه سفید اولیه

اتوهای رنگی



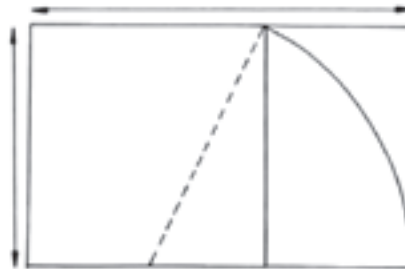
شکل ۲- اتوهای رنگی

مدل شماره ۱

طرح

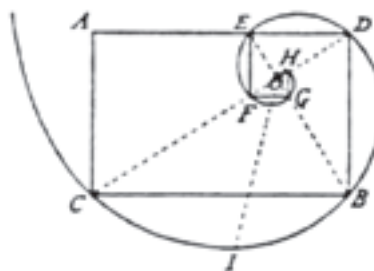
این مدل با الهام از تحلیل تابلوی گریز یوسف از زلیخا بر اساس چلیپا و اسپیرال طراحی شده است.

عمود را قطع کند. در نتیجه یک مستطیل بوجود می‌آید که نسبت طول آن به عرض آن ۶۱۸/۱ است (شکل ۱) در این شکل مستطیل کوچک با مستطیل بزرگ متشابه است (شروه، ۱۳۸۵، ص ۸۸).



مارپیچ لگاریتمی

با توجه به شکل ۲۷-۱، مستطیل AB را با نسبتی دلخواه رسم می‌کنیم، قطر CD آن را ترسیم می‌نماییم و قطر BE را بر CD عمود می‌سازیم. با ترسیم خط FG و EF و غیر مارپیچ زاویه دار را رسم می‌نماییم. این خطوط به طور متناوب موازی با طول و عرض مستطیل هستند. در قطب O مارپیچ که در محل تقاطع CD و BE است، پایان می‌یابند. سپس با دست یک منحنی مارپیچ از نقاط C و B و D و E و F و G و H و غیره عبور می‌دهیم. اینها نقاطی هستند که بر روی منحنی مارپیچ قرار دارند و مخاط بر مارپیچ مستطیل هستند (همان، ص ۹۷ و ۹۸).



زندگی و حیات هنری کمال‌الدین بهزاد

بهزاد به سال ۸۴۴ هجری در هرات دیده به جهان گشود. در کودکی یتیم شد و میرک نقاش سرپرستی و نگهداری او را به عهده گرفت. بهزاد مدت درازی از تربیت و حمایت این نقاش مشهور برخوردار بود و از کتابخانه سلطان حسین بایقرا که مدیریت آن با میرک بود، بهره می‌گرفت و با هنرمندانی که به کتابخانه رفت و آمد داشتند، در تماس مستقیم بود. (مجموعه مقالات همایش بین‌المللی، ۱۳۸۶، ۱۹۴). بهزاد بعد از یک زندگانی بالنسبه طولانی در سال ۹۴۲ هجری در تبریز در گذشت و همان‌جا در باغ کمال به خاک سپرده شد. (همان، همان) توجه بهزاد به جهان واقعی و ثبت تأثیرات آن در نگارگری، مانع پیروی او از اصول بنیادی حاکم بر نگارگری نگردیده است. بهزاد با بهره‌گیری از طراحی قوی توانسته است حالت و حرکت را در نگاره‌های خویش پدید آورد و مجموعه طبیعت و معماری را در آثار خویش به مکان فعل و عمل انسان‌ها تبدیل نماید. با



هندسه ی پنهان

در واقع طراحی تمامی مدل‌ها از جمله مدل شماره ۱ نه تنها بر اساس هندسه پنهان اثر کمال‌الدین بهزاد بوده بلکه با توجه به تناسبات طلایی موجود در بدن انسان و رعایت تمامی موارد آن طراحی شده است. در این مدل اگر با اندکی دقت، در لباس رویی و زیری بنگریم متوجه می‌شویم که دو تکه‌ی بالا و پایینی لباس رویی همان مستطیل کوچک بوجود آمده از قسمت میانی (لباس زیری) است به این صورت که با در نظر گرفتن وسط مستطیل و کمان به هر دو طرف به راحتی مستطیل طلایی را در هر دو طرف خواهیم یافت که طراحی مورد نظر در قسمت مستطیل اولیه انجام شده است.



شکل ۴- هندسه پنهان و دوخت نهایی مدل شماره ۱

مدل شماره ۲

طرح

این مدل با الهام از تحلیل تابلو بر اساس خطوط منحنی طراحی شده به این صورت که برای نمایاندن بهتر مستطیل بالایی در قسمت جلوی لباس از ناحیه گردن از خطی منحنی بصورت عمود و مستقیم تا ابتدای مستطیل کوچک و هم چنین بندهای که به این قسمت دوخته شده و در پشت لباس نیز در ابتدای مستطیل کوچک تمام می‌شوند، استفاده شده است و برای نشان دادن مستطیل کوچک حاصل از کمان مستطیل بالایی با خطی مورب از سمت چپ تونیک به سمت راست آن برای تکمیل مستطیل اشاره شده است. نیز برای القای بعد بندهای لباس بصورت برجسته و خط منحنی بروی قسمت بالایی بالاتنه هماهنگ با فرم آن قسمت بکار رفته است.

انتخاب رنگ

قرمز: همان طور که گفته شد قرمز دارای قدرت و کشش زیادی است، مثبت و متجاوز و تهییج کننده می‌باشد. از این رو استفاده از آن باید بر اساس اصول خاصی صورت گیرد. در کوتاه مدت روان شخص را تحریک می‌کند. این رنگ رابطه‌ی ویژه‌ای با خشم و غضب، کشمکش، خطر، شهامت، جرأت و مردی دارد. اگر به قرمز کمی سبز اضافه شود از انرژی‌های فعال آن کاسته می‌شود و حالتی متعادل پیدا می‌کند. (صنوبر، گروه طراحی پارچه و لباس، ۱۹)

مشکی: خاصیت بی‌حسی و آرام به رنگ می‌بخشد و در عین حال پیام را تشدید و زمینه مناسبی برای نمایاندن رنگ‌ها می‌باشد. به همین خاطر در کنار رنگ قرمزی که با سبز متعادل شده می‌تواند تعادل و آرامش

در این مدل از رویکرد بعد استفاده شده، به این صورت که با دوخت تونیک رویی و خالی کردن قسمت میانی آن طرح چلیپای تونیک زیرین نمایان شده، و حالتی قاب مانند برای طرح زیرین ایجاد کرده و همچنین با انتخاب پارچه‌ای ساده (از جنس تریکو) برای تونیک رویی و پارچه‌ای طرح‌دار از همان جنس برای تونیک زیرین و تأکید بر طرح چلیپا سعی شد تا رویکرد بکار رفته در آن نشان داده شود. از آن جا که خالی کردن قسمت میانی تونیک رویی باعث تأکید بر این قسمت می‌شود، برای جلوگیری از جلب نظر و چرخش چشم در سراسر لباس، در واقع طرح چلیپا با تلفیق طرح اسپیرال توأمأ بکار گرفته شده تا با انحنای اسپیرالی چشم به سوی بالا هدایت شود. همچنین برای تأکید بر فرم قالبی شکل تونیک رویی و آزادی بیشتر آن در قسمت لبه‌ی تونیک چین‌هایی داده شده است.

انتخاب رنگ

رنگ تمامی تونیک‌ها برای رابطه و هماهنگی بیشتر با استوری برد، طبق رنگ‌های درون آن انتخاب شده، البته به کمی تغییر در درجه تیرگی-روشنی رنگ‌ها جهت همخوانی بیشتر با سایر تونیک‌های مجموعه و توجه به موضوع روانشناسی و هم نشینی رنگ‌ها:

مشکی: مشکی فاقد هر گونه طول موج است و در ترکیب با هر رنگی همان خاصیت بی‌حسی را به رنگ می‌بخشد و انرژی‌های فعال رنگ اولیه را می‌کاهد. رنگی ست فاقد هر گونه حسی نظیر طعم، بو و صوت و...، به همین دلیل قاعدتاً هیچگونه حسی ایجاد نمی‌کند. اما زمینه‌ای بسیار قوی و جالب برای رنگ‌های دیگر است، پیام را تشدید کرده و در چشم نگه می‌دارد. زمینه‌ی سیاه رنگ‌ها دارای عمق فضای بیشتری هستند، رنگ‌های روشن روی این زمینه به طرف جلو می‌آیند. (صنوبر، گروه طراحی پارچه و لباس، ۱)

بنابراین با توجه به اینکه رنگ‌های موجود در تونیک زیری در این مدل متنوع و دارای انرژی زیادی می‌باشند لذا از مشکی بخاطر همان خاصیت بی‌حسی آن استفاده شده تا از انرژی بیش از حد رنگ‌ها بکاهد. اما در عین حال از آن به عنوان زمینه‌ای مناسب جهت تشدید پیام و جلب نظر بیننده به سوی هدف مورد نظر و ایجاد بعد استفاده شده است.



شکل ۳- اتود رنگی، اجرای نهایی مدل شماره ۱ و طرح الهام گرفته شده برای مدل شماره ۱

الگو

الگوی این مدل بر اساس متد مولر و استفاده از الگوی شومیز رسم شده سپس توسط نرم‌افزار پلی پترن کشیده شده است.



چشم و اعصاب همیشه تمایل بیشتری به رنگ خاکستری دارند و موقعی که این رنگ وجود نداشته باشد فقدان ناراحتی ایجاد می‌کند زیرا آرامشی که در اثر رنگ خاکستری بوجود می‌آید از بین می‌رود. در واقع اثر آرامش بخشی را که رنگ‌های هارمونی روی اعصاب انسان می‌گذارند همان اثر را رنگ خاکستری نیز دارد. (همان، ۲۷)

سبز آبی: از آن جایی که سبز آبی تمایل به اظهار وجود دارد و حالت مالکیت را القا می‌کند و بیان‌کننده ثبات و پایداری نیز می‌باشد، به خوبی می‌تواند خود را بر روی زمینه‌ای از خاکستری که رنگی ست خنثی و آرام نمایان کند. (همان، ۸، ۹)

بیشتری به آن ببخشد و نیز آن را در چشم بیننده نمایان سازد. (همان، ۱)

طلائی: بهترین رنگ برای درمان تمام بیماری‌هاست. این رنگ آنقدر قوی است که بسیاری از مردم قادر به تحمل آن نمی‌باشند. بنابراین فرد باید در دوره‌های زمانی کوتاه مدت در معرض آن قرار گیرد. رنگ طلائی جسم و روح را در تمام زمینه‌ها تقویت می‌کند. طلائی نشانه سرزندگی، شور و شوق، تحرک، نیرو، شروع تازه (http://forum.spe-cial.ir).



شکل ۵- اتود رنگی، اجرای نهایی و طرح الهام گرفته شده برای مدل شماره ۲



شکل ۷- اتود رنگی، اجرای نهایی و طرح الهام گرفته شده برای مدل شماره ۳

الگو

این مدل همانند مدل‌های قبل بر اساس متد مولر و الگوی شومیز طراحی شده و پس از آن با استفاده از نرم‌افزار پلی پترن الگو رسم شده‌اند.

الگو

از الگوی شومیز و نهایتاً طراحی با پلی پترن استفاده شده است.

هندسه پنهان

در این مدل اگر نسبت گردن تا برش کمری لباس را با نسبت همان برش تا لبه‌ی تونیک در نظر بگیریم براحتی مستطیل طلائی ایجاد می‌شود.

هندسه پنهان

تناسب در این مدل به این صورت است که اگر از بالا، برش دوم یقه را تا ابتدای انحنای خط کناره لباس یک مربع در نظر بگیریم، در نتیجه به مستطیل‌های کوچک حاصل از قطر مربع، در قسمت انحنای خط کناری تا لبه‌ی لباس و خط دوم برش یقه تا سرشانه، پی می‌بریم. در پشت لباس نسبت سر شانه تا چاک پهلو و از چاک پهلو تا لبه‌ی لباس، نسبتی طلائی بوجود آورده است.



شکل ۶- هندسه پنهان و دوخت نهایی مدل شماره ۲



شکل ۸- هندسه پنهان و دوخت نهایی در مدل شماره ۳

مدل شماره ۳

طرح

طراحی در این مدل با الهام از خطوط عمودی و رعایت تناسبات و اصول زیبایی‌شناسی انجام گرفته قد این تونیک در قسمت جلو و پشت برای ایجاد تعادل در نسبت طلائی کمی تفاوت دارد. به این صورت که در پشت برای ایجاد مستطیل طلائی که از سرشانه شروع می‌شود، قد تونیک باید کمی بلندتر در نظر گرفته می‌شد تا هماهنگی لازم را هم در پشت و هم در جلوی لباس داشته باشد.

انتخاب رنگ

خاکستری: در واقع نوعی رنگ خنثای متعادل - موزون و بی تفاوت است، این رنگ موجب می‌گردد که چشم و اعصاب آن دچار خستگی نگردند،

مدل شماره ۴

طرح

طراحی این مدل با الهام از تحلیل خطوط عمودی و تأکید بر مستطیل کوچک که در قسمت بالایی بالا تنه قرار دارد، صورت گرفته است. در عین حال با هدایت نوارهای عمودی از بالا به پایین لباس در سرشانه از تأکید آن در بالا کاسته شده است.



انتخاب رنگ

بعد، توسط خود لباس و از تکنیک پاره کردن این خط و تکه‌ای چین دارد، زیر آن استفاده شده است و نیز از تکه‌ای لباس رویی استفاده شده.

انتخاب رنگ

زرد روشن: رنگ زرد روشن چنان میل به سفیدی و حالتی بی‌روح دارد و سفید آن را در موقعیتی کم اهمیت و فرعی قرار می‌دهد، برای نماینده شدن به رنگی تیره احتیاج دارد. بنابراین با توجه به این که رنگ سبز آبی، بیان کننده ثبات و پایداری می‌باشد بر شکل‌هایی از مالکیت و اظهار وجود دلالت دارد و رنگی تیره تر از زرد است باعث جلوه بیشتر زرد و ارزش دادن به آن می‌شود. (همان، ۱۳)



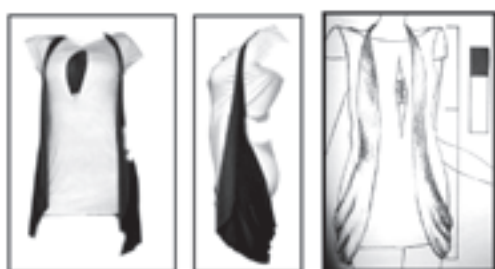
شکل ۱۱- اتود رنگی، اجرای نهایی و طرح الهام گرفته شده برای مدل شماره ۵

الگو

هم چنین برای رسم الگوی این مدل از الگوی شومیز استفاده شده و سپس توسط پلی پترن طراحی گردیده است.

هندسه‌ی پنهان

اگر نسبت سرشانه تا زیر سینه و زیر سینه تا لبه‌ی لباس را در نظر بگیریم به مستطیل طلائی مشابه آن دست خواهیم یافت. این نکته تأکید بر مستطیل کوچک براحتی نمایان می‌شود.



شکل ۱۲- هندسه پنهان و اجرای نهایی مدل شماره ۵

مدل شماره ۶

طرح

طراحی این مدل با توجه به تحلیل همان تابلو بر اساس خطوط منحنی و بازی با این خطوط، با رعایت اصول زیبایی شناسی و پرهیز از یکنواختی و تأکید بر یک قسمت از بدن، انجام شده، به این صورت که با تغییر پهناى هر خط و چرخش آنها در سراسر بدن مانع جلب نظر در یک نقطه می‌شود.

بنفش: بنفش رنگی است که به دلیل غنای ذاتی آن با ثروت و تحملات پیوندی نزدیک دارد، لباس‌های بنفش برای رفع حالت‌های حاد عصبی و فشارهای روحی و استرس‌های ناشی از هیجانانگیز و اضطرابها مفید است. (همان، ۱)

زرد: زرد رنگی است مادی، هرگز نمی‌تواند دارای معنای ژرفی باشد. حد و مرزی ندارد به راحتی در دیگر رنگ‌ها محو میشود. نشانه‌ی بی‌اختیاری و خود جوشی و لذت ناگهانی و اعمال خود بخودی که نیاز به محرک خارجی ندارد می‌باشد. اگر کمی قرمز به زرد اضافه شود برای چشم خوشایند است، قلب را گرم می‌کند و احساس شادی و رضایت ایجاد می‌کند و وقتی با رنگ‌های تیره کنتراست داده شود به نحوی خیره کننده شادی بخش است. این رنگ روی بنفش خصوصیتی نیرومند سخت و رام نشدنی دارد. (همان، ۴)

الگو

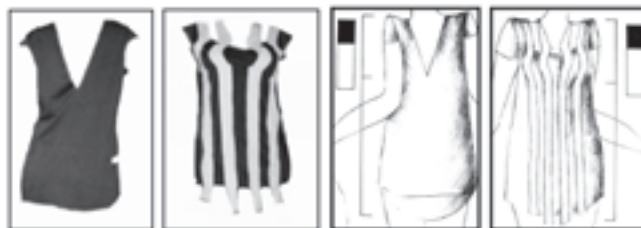
بر اساس متد مولر و الگوی شومیز طراحی و نهایتاً با نرم افزار پلی پترن ترسیم شده است.



شکل ۹- اتود رنگی، اجرای نهایی و طرح الهام گرفته شده برای مدل شماره ۴

هندسه‌ی پنهان

هدف در این مدل تأکید بر قسمت بالایی بالاتنه است و با استفاده از مستطیل طلائی می‌باشد. بنابراین اگر نسبت لبه‌ی تونیک به خط زیر سینه را با خط زیر سینه تا سرشانه در نظر بگیریم به مستطیل طلائی و تشابه میان قسمت کوچک و بزرگ خواهیم رسید.



شکل ۱۰- هندسه پنهان و دوخت نهایی برای مدل شماره ۴

مدل شماره ۵

طرح

طراحی این مدل با الهام از خطوط عمودی تابلو انجام گرفته، ناحیه انتخابی برای طراحی مستطیل کوچک می‌باشد و در این جا برای نمایش



انتخاب رنگ

همان خط تا لبه‌ی لباس در نظر بگیریم به راحتی متوجه مستطیل طلائی خواهیم شد. که با ادامه‌ی این فرم منحنی در پشت لباس و اتمام آن در ناحیه کمر میتوان متوجه تناسبی برعکس تناسب جلوی لباس شد.



شکل - ۱۴ هندسه پنهان و دوخت نهایی مدل شماره ۶

مدل شماره ۷

طرح

در این مدل نیز از خطوط منحنی تابلو استفاده شده و سعی شد تا با رعایت تمامی اصول ذکر شده و هماهنگی در سراسر لباس، این خط را در تمامی بدن چرخش داد و در عین حال بر مستطیل کوچک بوجود آمده از قطر مربع تأکید کرد. و به این ترتیب به تشابه میان مستطیل کوچک و مستطیل بزرگ پی برد.

انتخاب رنگ

خاکستری: همان طور که گفته شد رنگ خاکستری نوعی رنگ خنثای متعادل است که باعث آرامش اعصاب و دوری از خستگی می‌گردد. (همان، ۲۷)

بنفش: بنفش رنگی که تلاش می‌کند تا جنبه‌ی سلطه‌گرایانه بی ادراکی رنگ قرمز و هم چنین جنبه‌ی تسلیم‌گونه و متین آبی را حفظ کند. پس از یک طرف نیروی آرامش بخش و تسکین دهنده‌ی این رنگ ارائه دهنده‌ی نوعی آرمان‌گرایی عملی ست که با تواضع همراه با آگاهی توأم است و از طرف دیگر به دلیل غنای ذاتی با ثروت و تجملات پیوند نزدیکی دارد. در نتیجه روی خاکستری خود نمایی می‌کند. (همان، ۱)



شکل ۱۵- اتود رنگی، اجرای نهایی و طرح الهام گرفته شده برای مدل شماره ۷

الگو

الگو با توجه به متد مولر و الگوی شومیز رسم شده و همانند سایر مدل‌ها به پلی پترن کشیده شده است.

سرمه‌ای: نشان‌دهنده‌ی آرامش کامل است، اندیشیدن درباره‌ی این رنگ از یک تأثیر آرامش بخش در سیستم اعصاب مرکزی برخوردار است از عمق و کمال چشمگیری برخوردار بوده و نمایانگر حقیقت و اعتماد، عشق و ایثار و تسلیم و فداکاری ست. مظهر ابدیت بی‌انتهای و نشانه‌ی سنت و ارزش‌های پایدار بوده و لذا به ابدی کردن گذشته تمایل دارد. (لوشر (ابی زاده)، ۱۳۷۹، ص ۷۸ و ۸۰).

سبزی: از دیدگاه روانشناسی نشانگر ثبات قدم و استقامت است و مهم‌تر از همه مقاومت در برابر تغییرات است در ضمن از ثبات عقیده و خودآگاهی نیز حکایت کرده و ارزش زیادی را برای خود شخص در تمام شکل‌های تعلق و اظهار وجود قائل می‌شود. (همان، ص ۸۳)

سبزی آبی: سبزی مایل به آبی بیان‌کننده پایداری-ثبات-ایستادگی در برابر تغییرات می‌باشد، علاوه بر ثبات، خودآگاهی و جایی که من ارزش پیدا می‌کند. به شکل‌هایی از مالکیت و اظهار وجود دلالت می‌نماید. نیز سبزی مایل به آبی حالت روحانیت بیشتری را القا می‌کند. (صنوبر، گروه طراحی پارچه و لباس، ۶)

زرد روشن: یا لیمویی کم‌رنگ نمایانگر قدرت عقلانی زیاد است: زرد روشن میل به سفید دارد سفید، زرد را در موقعیتی کم اهمیت و فرعی قرار می‌دهد و مفهوم قداست را القا می‌کند. پس اغلب به رنگی تیره برای نمایانده شدن احتیاج دارد. نیز هوش- تازگی و شادی را می‌رساند. (همان، ۱۳)

بنابراین رنگ زرد بخوبی می‌تواند در کنار سبزی آبی- سبزی و سورمه‌ای خود را نمایان کند.

هم چنین با توجه به خصوصیات نزدیک به هم سبزی و سبزی آبی در کنار سرمه‌ای در عین پایداری با آرامشی عمیق همراه است البته تأثیر آرامش بخش سرمه‌ای بدلیل وسعت زیاد آن بیشتر خواهد بود.



شکل ۱۳- اتود رنگی، اجرای نهایی و طرح الهام گرفته شده

برای برای برای مدل شماره ۶

الگو

هم چنین این مدل بر اساس متد مولر و الگوی شومیز رسم شده، سپس الگوها توسط نرم افزار پلی پترن کشیده شده اند.

هندسه‌ی پنهان

در این مدل اگر نسبت سرشانه تا خط منحنی زیر سینه را به نسبت



الگو

در این مدل بدلیل اینکه نسبت به سایر مدل‌ها بیشتر قالب بدن و چسبیده به بدن می‌باشد از الگوی بالا تنه استفاده شده و با توجه به جنس پارچه کاربردی تمامی پنس‌ها از قسمت پهلو و حلقه آستین رد شده اند و در نهایتاً پلی پترن ترسیم شده است.

هندسه‌ی پنهان

در این مدل اگر مربع وجود آمده در قسمت میانی تونیک را در نظر بگیریم و با توجه به قطر آن به بالا و پایین کمان بز نیم دو مستطیل طلایی خواهیم داشت.



شکل ۱۸- هندسه پنهان برای مدل شماره ۸ شکل ۶۷ دوخت نهایی مدل شماره ۸

نتیجه گیری

حال که به اندازه‌های حساب شده و دقیق موجود در اطرافمان و حتی خود انسان پی بردیم، می‌توان به این نتیجه مهم دست یافت که تناسبات طلایی می‌تواند حتی در طراحی لباس و از جمله تونیک، با رعایت همان ویژگی بطنی اثار کمال‌الدین بهزاد، وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت، کاربرد داشته باشد تا با رعایت این تناسبات و نشانند هر طرح و مدل در جای مناسب خود و حتی ترکیب‌بندی متناسب، تأثیری مثبت و دلپذیر و شایان توجه در بیننده گذاشت. همچنین این نتیجه بدست می‌آید که، این هندسه جالب نه تنها به صورت پایه و اساس می‌تواند کاربرد داشته باشد، بلکه می‌توان با الهام از آن وارد حیطه‌ی انواع رویکردها شد. از جمله رویکرد بعد که در این پروژه به آن اشاره شد، از طرف دیگر برای استفاده از این رویکرد الزاماً نیازی به برجسته‌سازی و حجم‌سازی برای نشان دادن آن نیست، بلکه می‌توان به راحتی و بازی با رنگ‌ها، شکل‌ها، فرم‌ها و حتی استفاده از دو تکه لباس به صورت لباس رویی و زیری، به طوری که لباس رویی قابی برای لباس زیری باشد، بعد را القا کرد و فضاهای جالبی بدست آورد. در نهایت به علاقه‌مندان در این حوزه پیشنهاد می‌شود به منظور یادآوری و عدم فراموشی تناسبات طلایی که زیر بنای تمام اجزای هستی می‌باشد، آنرا در پژوهش‌های خود البته با توجه به رویکردهای مختلف به کار گیرند.

پی‌نوشت:

۱- دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، دانشکده هنر، گروه طراحی پارچه و لباس، یزد، ایران

منابع در دفتر مجله موجود است.

هندسه پنهان

در این مدل اگر از ناحیه سرشانه تا ابتدای خط منحنی وار تکه رویی تونیک در نظر بگیریم، با قسمت پایین تونیک یعنی از همان ابتدای خط منحنی تا لبه‌ی تونیک یک مستطیل طلایی بوجود خواهد آمد. تکه رویی لباس به همین صورت به پشت لباس ادامه یافته است.



شکل ۱۶- هندسه پنهان و دوخت نهایی برای مدل شماره ۷

مدل شماره ۸

طراح

طراحی این مدل با استفاده از تحلیل خطوط افقی تابلو می‌باشد و ضمن انتخاب مربع میانی برای طراحی، جهت چرخش چشم در لباس و نشان دادن حالت فنری این خطوط افقی به دور بدن در پشت لباس امتداد داده شد. هم چنین برای نشان دادن بعد در این خطوط و پرهیز از همسطحی با مستطیل‌های زائیده مربع، هم از خصوصیت برجسته‌ی استفاده شده و هم با آوردن توری نازک و جلو باز بر روی لباس بر بعد آن تأکید شده است.

انتخاب رنگ

همان طور که گفته شد در عین حال که مشکی انرژی‌های فعال رنگ را می‌کاهد، زمینه ای قوی برای رنگ‌های دیگر و تشدید پیام است بنابراین رنگ قرمز که خود رنگی پر از هیجان و تنش و دارای قدرت زیادی می‌باشد بر روی مشکی نه تنها خود را نمایان می‌سازد بلکه به وسیله‌ی رنگ مشکی از انرژی زیاد آن تا اندازه ای کاسته می‌شود. البته باید توجه داشت که استفاده از رنگ قرمز باید با احتیاط و بر اساس اصول خاصی صورت گیرد.

سبز آبی: از آن جا که سبز آبی بیان کننده پایداری و ثبات و ایستادگی در برابر تغییرات است و حالت روحانیت بیشتری دارد لذا با این خصوصیت خود در کنار قرمز می‌تواند بدن را متعادل تر و آرام تر کند.



شکل ۱۸- اتود رنگی، اجرای نهایی و طرح الهام گرفته شده برای مدل شماره ۸